

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۸ - کیفیت دلالت آیه بر معاد - جامعیت آیه ۲۸
تاریخ: ۲۳ دی ۱۳۹۷
مصادف با: ۶ جمادی الاولی ۱۴۴۰
جلسه: ۳۱

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم آیه ۲۸ به طور مستقیم بر مبدأ و معاد دلالت دارد. دو موضع در این آیه دلالت بر مبدأ دارند که بیان شد؛ یکی تعبیر «فأحیاکم» است و دیگری تعبیر «ثم یمیتکم». احیاء و اماتة در این دنیا دلالت بر مبدأ دارد که توضیحش گذشت.

کیفیت دلالت آیه ۲۸ بر معاد

اما کیفیت دلالت این آیه بر معاد، بخش دیگری است که باید به آن پرداخته شود. گفتیم «ثم یحییکم» در این آیه دلالت بر معاد دارد و این احتمال را که بخواهد دلالت بر مبدأ داشته باشد کما ذکره بعضی رد کردیم و گفتیم که این احتمال مردود است. اما چگونگی دلالت «ثم یحییکم» بر معاد را قرار بود در این جلسه بیان کنیم.

کفار و منافقان اعتقاد داشتند و دارند که وقتی می میرند همه چیز تمام می شود و دیگر پس از مرگ، معاد، بازگشت و محاسبه ای در کار نیست. خداوند متعال در مقام ردّ این اعتقاد کافران در صدد اثبات معاد است به این بیان که زنده کردن و میراندن انسان ها در این دنیا عبث نیست. به زعم آنها به دنیا آمدن انسان و سپس مردنش یک فرصتی است برای انسان که در این دنیا زندگی کند و بعد هم که از دنیا رفت همه چیز تمام می شود و دیگر رسیدگی و بازگشت معنا ندارد. این مبنا مساوی است با عبث بودن خلقت انسان؛ بالاخره اینکه انسانی در این دنیا چند صباحی زندگی کند و هیچ مسئله ای بعدش اتفاق نیافتد، معنایش لغو بودن حیات انسان است چون طبق این نظر هیچ هدفی در پی این خلق نیست. لذا خداوند متعال در برخی از آیات قرآن میفرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۱ یعنی آیا شما گمان کردید که ما شما را عبث آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی گردید؟ آنها به صراحت می گویند که ما عبث آفریده شده ایم، اما لازمه انکار معاد عبث بودن انسان و حیات انسانی است. وقتی می گویند و «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»^۲ یعنی روزگار ما را میراند و ما می میریم و زنده می شویم، معنایش این است که قبلاً هیچ بودیم بعد طبیعت و روزگار ما را به دنیا آورد و روزگار هم ما را می میراند. بعد می گویند «وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ»^۳ و اعتقاد آنها این

۱. سوره مؤمنون آیه ۱۱۵.

۲. سوره جائیه آیه ۲۴.

۳. سوره انعام آیه ۲۹.

است که بعد از آن خبری نیست و ما بر انگیزته نمی شویم. این اعتقاد معنایش این است که هیچ غرضی و هدفی در بی آفرینش انسان نیست. لازمه این اعتقاد عبث بودن خلقت است؛ لذا خداوند در آن آیه پرده از گمان اینها بر می دارد و می گوید شما کأنّ اعتقاد دارید که خلقت انسان عبث است در حالی که عبث نیست؟ چون خداوند متعال حکیم است و همه کارهایش بر اساس غرض است و هیچ فعلی در این دنیا بدون غرض واقع نمی شود. یکی از امور مهمه در این دنیا هم خلق انسان و میراندن اوست، اگر «ثم یحییکم و ثم الیه ترجعون» نباشد، یعنی خلقت انسان عبث است و قطعاً چنین چیزی در مورد خداوند راه ندارد.

پس تقریب دلالته این آیه بر معاد این است که اگر خداوند متعال انسان را آفرید و به او حیات داد و سپس او را میراند و دوباره او را به حیات و زندگی باز می گرداند و زنده می کند، این حتماً به واسطه حکمتی است که وجود دارد و بدون غرض نیست. پس هدف داشتن و عبث نبودن خلقت انسان اقتضاء می کند که معادی در کار باشد و اگر معاد نباشد لغویت به دنبال خواهد داشت. إحياء مجدد انسان، در راستای هدفمند بودن افعال الهی است. این بیانی است که می تواند برای دلالت این آیه بر معاد ذکر شود.

فقط مسئله ای که وجود دارد این است که آیا ثم یحییکم که اشاره به إحياء مجدد انسان می کند، این مربوط به إحياء در پایان عالم برزخ است یا ابتدای عالم برزخ؟ چون می گوید «ثم یمیتکم» در این دنیا، بعد میفرماید «ثم یحییکم». این نقطه همان نقطه ای است که محل اختلاف است که آیا از این می توان برزخ را استفاده کرد یا نه؟ عده ای گمان می کنند این آیه دلالت بر برزخ ندارد، چون «ثم یمیتکم» که اماته است در این دنیا، و این موت برقرار می باشد تا آن زمانی که خداوند برای قیامت مرده ها را زنده می کند، پس دلالتی بر حیات برزخی ندارد. ما اینکه این آیه چگونه بر حیات برزخی می کند را بیان کردیم. در اینجا «ثم یحییکم» می تواند اشاره به این باشد که بعد از مردن در این دنیا یک احیایی است بلافاصله در عالم برزخ و این امتداد پیدا می کند تا «ثم الیه ترجعون» که مسئله معاد را مطرح می کند.

به هر حال اصل حیات برزخی و استفاده اش از قرآن قابل انکار نیست. آیه «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۱ به وضوح حیات برزخی را ثابت می کند اما اینکه این آیه به خصوص دلالت بر حیات برزخی داشته باشد یا نه، عرض کردیم که محل اختلاف است ولی به نظر می رسد که دلالت بر حیات برزخی دارد. حتی اگر این آیه دلالت بر حیات برزخی هم نداشته باشد، تردیدی نیست که اصل دلالت آیه بر معاد قابل انکار نیست. به عبارت دیگر این که ما می گوئیم آیه ۲۸ دلالت بر معاد و مبدأ می کند، اعم از این است که این آیه حیات برزخی را بیان کند یا نکند و در هر صورت خدشه ای به دلالت آیه بر معاد ندارد نمی شود. اگر دلالت بر حیات برزخی داشته باشد، قهراً از زمانی که حیات برزخی شروع می شود،

۱. سوره مؤمنون آیه ۱۰۰.

این به عنوان مقدمه معاد می‌تواند مورد نظر باشد؛ و اگر دلالت بر حیات برزخی نداشته باشد، طبیعتاً مستقیماً اشاره به معاد دارد و لذا تردیدی در دلالت آیه بر معاد نیست.

بنابراین به روشنی این آیه هم بر اصل مبدأ و هم بر اصل معاد به وضوح دلالت می‌کند و قطعاً این مطلب از آیه قابل استفاده است.

جامعیت آیه ۲۸

نکته‌ای که در ادامه این بحث به نظر می‌رسد اشاره به آن مناسب است، جامعیت این آیه است. مقدمتاً عرض می‌کنم که اینجا سه جهت باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. جهت اول اینکه به طور کلی آیاتی که متضمن بیان مبدأ و معاداند، چند دسته هستند. گاهی از اوقات آیات فقط به مبدأ اشاره می‌کنند؛ برخی از آیات فقط به معاد اشاره دارند؛ قسم سوم از آیات هم به مبدأ و هم به معاد اشاره می‌کنند.

۲. جهت دیگر مسئله اجمال و تفصیل است، گاهی این دو اصل به صورت اجمال بیان شده و گاهی به صورت تفصیلی؛ یعنی گاهی صحبت از این است که انسان روزی به سوی خدا باز میگردد و این یک بیان اجمالی است، و گاهی اتفاقات و مسائلی را که در معاد پیش می‌آید را بیان می‌کند و این می‌شود بیان تفصیلی.

۳. جهت سوم این است که در قرآن گاهی سیر حرکتی انسان را به نحو کامل بیان می‌کند، یعنی از زمانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد تا زمانی که به سوی خدا باز می‌گردد، و گاهی این سیر به نحو کامل بیان نمی‌شود و فقط به یک نقطه و موضع خاص از این سیر اشاره می‌شود.

پس ببینید ما در آیاتی که متضمن شرایط کلی انسان‌اند از حیث حرکتی در این عالم، سه جهت را باید توجه کنیم و آیات را با این سه جهت باید بسنجیم.

۱. جهت اول این که آیه گاهی فقط مبدأ، گاهی فقط معاد و گاهی هر دو را بیان می‌کند به نحو کلی.

۲. جهت دوم این که گاهی تبیینش در این جهات و در این سه نقطه اجمالی است و گاهی تفصیلی.

۳. جهت سوم این که گاهی آیات به سیر حرکت انسان عنایت دارند و گاهی به یک نقطه و موضع خاص.

با توجه به این جهاتی که گفتیم، آیه محل بحث آیه‌ای است که اولاً متضمن دو اصل مبدأ و معاد است و نیز بیان اجمالی دارد نسبت به این دو جهت و نیز سیر کلی حرکت انسان را بیان می‌کند و لذا این آیه یک آیه جامعی است؛ اما در عین حال جامعیت این آیه به معنای تفصیل همه مسائل نیست، مبدأ و منتهی را بیان کرده است، ابتدا می‌گوید: «کنتم امواتاً» بعد می‌گوید: «ثم الیه ترجعون»، سیر حرکت را بیان کرده است، اموات بودید خدا شما را زنده کرد، دوباره میراند، دوباره زنده میکند و به سوی او باز می‌گردید بیان آن هم به نحو اجمالی است، اما این که مثلاً در این دنیا چه اتفاقی می‌افتد، در برزخ و روز قیامت چه می‌شود را توضیح نداده.

اگر شما در سوره‌ها و آیات قرآن به این جهات توجه کنید، می‌بینید که آیات از این جهت چه تفاوت‌هایی دارند مثلاً در یک آیه فقط به مبدأ و منتهی اشاره کرده و به سیر حرکتی اشاره ندارد «إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ»^۱ یعنی خدا آغاز کننده و باز گرداننده است. در جایی ممکن است که فقط به آخر کار اشاره کند «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۲ در اینجا پایان کار انسان را بیان می‌کند اعم از مؤمن و کافر که بالاخره انسان در سفرش نهایتاً به ملاقات خدا می‌رود، در یک آیه دیگری کیفیت ملاقات و تفاوت ملاقات‌ها بیان شده؛ مثلاً این آیات سوره انشقاق «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَّرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا»^۳ ملاقات‌ها متفاوت است.

به هر حال غرض این است که جامعیت آیه محل بحث روشن شود که این آیه ضمن اینکه جامع است و مسیر حرکت انسان من المبدأ إلى المعاد را بیان می‌کند لکن به نحو اجمال و آن سه جهتی که در مورد آیات اشاره کردم، این آیه واجد هر سه جهت هست. شما آیات دیگری که در رابطه با مبدأ، معاد و یا هر دو وجود دارد را نگاه کنید می‌بینید که نوعاً آیاتی که در این محدوده و در این مسیر بیان شده، یک یا دو جهت از آن جهات سه‌گانه مورد توجه قرار گرفته است.

سوال:

استاد: ما در مورد بعضی سُوَر این تعابیر را داریم و این یک مسئله از یک موضع دیگر و ما داریم عرض می‌کنیم که مقام اینم آیه مقام بیان اصول اعتقادی است و در این مقام دو اصل اعتقادی به صورت مستقیم و اصل نبوت و رسالت به طور غیر مستقیم بیان شده. و اینکه جامعیت دارد به این معنا است که هم مبدأ و هم معاد و هم منازل واسط بین مبدأ و معاد را بیان کرده به نحو اجمال و آن جهت سومی که اشاره کردیم، هم در آن اشاره شده است.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. سوره بروج آیه ۱۳.

۲. سوره انشقاق آیه ۶.

۳. سوره انشقاق آیه ۷ تا ۱۳.